

آتش بس در غزه

آتش باران در کرانه باختری

آذر ماجدی

بالاخره در 19 ژانویه بعد از هیاهوهای رسانه ای و ژست های دیپلماتیک یک آتش بس 6 هفته ای که در ماه مه برای اولین بار طرح شده بود باجرا درآمد. از زمان اعلام توافق تا عملی شدن آن، اسرائیل ده ها فلسطینی را به قتل رساند و تعدادی منجمله کودک را دستگیر کرد. از روز عملی شدن آتش بس بخش وسیعی از کرانه باختری به آتش کشیده شده است. حملات به جنین که مدتی است در جریان بوده گسترش یافته، ده ها نفر کشته و دستگیر شده اند و اسرائیل برق بیمارستان را قطع کرده است. سترها به همراه ارتش وحشیانه به خانه های فلسطینی حمله می کنند و آنها را زنده یا مرده از خانه ها بیرون می کشند. اسرائیل این یورش را "دیوار آهنین" نامیده است؛ دیوار آهنین تزی است که جابوتینسکی یهودی صهیونیست روس در سال 1923 در مقاله ای با همین عنوان در رابطه با ساختن ستلمنت ها در فلسطین طرح و تبلیغ کرده است.

حکم آتش بس با استقبال و شادی روبرو شد. اما مردمی که به خانه های خود بازگشته اند با وحشتی بی نظیر مواجه شدند. پیدا کردن اسکلت های فامیل و همسایه که در منطقه پرت و پلا شده اند و مواجهه با این کابوس که در زیر خاک و سنگ اجساد بسیاری آرمیده است. شرایط غیر قابل تحمل است. زندگی درون چادرهای در هم تنیده، در میان ویرانی و و خرابی های بمب های خانمان برانداز. شش هفته وقت است تا این بخت برگشتگان را دوباره زیر بمب و آتش بگیرند.

آتش بس یا مرخصی؟

این بیشتر از آنکه یک آتش بس برای سامان دادن به زندگی بمب زده ها باشد، بنظر یک مرخصی کوتاه مدت برای ارتش اسرائیل در غزه است تا بتواند با تمرکز قتل و عام و پاکسازی در کرانه غربی و جنگ و ویرانی و اشغال اراضی بیشتر در سوریه و ویرانی در لبنان را به پیش ببرد. یک خاصیت دیگر آتش بس، هیاهوی تبلیغاتی در رسانه های بستر اصلی و توسط دولتمردان غرب است تا توجه ها از جنایت بی وقفه اسرائیل منحرف شود. این حتی حکم آرامش قبل از طوفان را نیز ندارد، خود طوفان است.

مساله اینجاست که بازگشت ساکنین غزه عملا غیر ممکن است. ارزیابی می شود که حتی اگر سرمایه لازم اختصاص داده شود و هیچگونه کارشکنی از سوی اسرائیل نباشد، بازسازی غزه 15 سال بطول می انجامد. این مردم بخت برگشته طی این 15 سال کجا زندگی خواهند کرد؟ در چادر، پیش بینی می شود. این چادر ها کجا برافراشته خواهد شد؟ هنوز آشکار نشده است. دولت ترامپ از اعزام فلسطینی ها به اندونزی سخن می گوید. تاکنون دولت اندونزی اعلام بی اطلاعی کرده است. ترامپ اعلام کرده که فکر نمی کند آتش بس برقرار بماند. سپس اشاره کرده است که: "غزه یک ناحیه خارق العاده زیبا در کنار دریا است... کارهای بسیاری می توان در آن انجام داد.... قابل زیست نیست. باید بشکل دیگری توسعه یابد."

چند روز پس از اعلام آتش بس، داماد ترامپ، جرارد کوشنر سرمایه گذاری خود در شرکت مالی اسرائیلی معاملات املاک ستلمنت ها را دو برابر نمود و ترامپ تحریم ستلمنت ها را لغو کرد. طی سال اخیر تعداد زیادی جلسات معاملات ملکی در آمریکا و کانادا، در سنوگاک های یهودی تشکیل شده که اراضی اشغالی را به فروش گذاشته است.

غزه از دست رفته است. غزه نیز مثل تمام اسرائیل اشغال و پاکسازی شد. کرانه باختری نیز دارد پاکسازی می شود و ستلرها یکی پس از دیگری خانه های فلسطینی ها را اشغال می کنند. در هفته های اخیر حکومت خود گردان کرانه باختری عملاً در خدمت اسرائیل وحشیانه به سرکوب هرگونه مقاومت علیه اسرائیل دست زده است. سرکوب و اخراج فلسطینی های ساکن اورشلیم نیز وسیعاً گسترش یافته است. (350 هزار فلسطینی در اورشلیم زندگی می کنند).

باید پذیرفت که پروژه خاورمیانه جدید که سالهاست در حال پیشروی است دارد به مراحل نهایی نزدیک می شود. غزه، کرانه باختری و سوریه کاملاً ویران شده اند. بخش وسیعی از لبنان نابود شده است. آمریکا در حال ساختن یک "سفارت خانه" در لبنان است که عملاً یک زندان بزرگ با سیاهچال های زیر زمینی برای اسارت و شکنجه است؛ 40 هزار هکتار مساحت این سفارت سیاهچالی است. آمریکا همیشه دولت دوافکتو در لبنان بوده است. اکنون دیگر رو و جلوی چشم همگان است.

ماسک ها را کنار زده اند!

طی این نسل کشی سیاست ها یا ایدئولوژی ها تغییر اساسی نکرده؛ اگر به تاریخ ۳۰ سال اخیر بنگرید، هم نظری و هم جهتی حاکم بر هیات حاکمه آمریکا و غرب را بروشنی مشاهده می کنید. نظم نوین را اعلام کردند، سوت آغاز را جمهوریخواهان زدند و بترتیب قدم به قدم آنها پیاده کرده اند. آنچه اتفاق افتاده کنار زده شدن ریا و پرده پوشی است. رک و صریح نیات شان را اعلام می کنند. آنچه 15 ماه است هر روز مشاهده می کنیم، پدیده جدیدی نیست، سیاست این حزب در مقابل حزب رقیب نیست. این سیاست و پروژه سیاسی هیات حاکمه آمریکا و غرب است که از دهه های پیش برنامه ریزی شده و رفته رفته عملی شده است.

زمانیکه جرج بوش پدر ناقوس "نظم نوین" پلید جهانی را به صدا درآورد، این آینده را نوید می داد. اکنون به یک نقطه زمانی بسیار خطیر و تعیین کننده رسیده ایم. بورژوازی، هیات حاکمه، ماسک ها را کنار زده و با اعتماد به نفس بالایی روایت و گفتارهای فاشیستی خود را بیان می کند. سلام فاشیستی ایلان ماسک یک نمونه از این اعتماد به نفس عنان گسیخته است. اشتباه نیست. پیام روشن خروج فاشیسم در غرب است.

دیوارهای سرکوب و اسارت بلند تر می شود. آزادی های سیاسی و اجتماعی با سرعتی باور نکردنی جارو می شود. ناقوس جنگ و ویرانی در شیپورها دمیده می شود. تا ویرانی کامل منطقه و پاکسازی آن بمب ها متوقف نخواهد شد. چهره منطقه کاملاً تغییر کرده است. "خاورمیانه جدید" بر روی اجساد میلیون ها انسان، کودک و سالمند ساخته خواهد شد. حتی خوش باور ترین ها به این حقیقت تلخ باور

آورده اند. در این شرایط خطیر و تاریخ ساز سازمانیابی یک جنبش عظیم عدالت طلبانه و



آزادخواهانه برای عقب نشاندن فاشیسم و نیروی سرکوب امر مبرم روز است.

24 ژانویه ۲۰۲۵